

آداب معاشرت دوستانه

این روزهای آخر سال که مدرسه کمابیش تقوّل میشه و درس‌ها سبک، بعضی‌ها برای دورهمی و مهمونی‌های دوستانه برنامه می‌ریزن. قرار دوستانه قبل از تعطیلات عید و چندروز دوری از رفقا، کار باحالیه فقط چند نکته کوچولو رو یادت باشه. وقتی جایی دعوت میشی، نباید بدون خبر دادن به میزبان اجازه گرفتن از اون، کسی رو با خودت ببری. اصلاً بهتره این کارو انجام ندی اما اگه مثلاً خانواده اصرار دارن داداش کوچیکه رو همراهت بفرستن مهمونی، باید میزبان رو در جریان بذاری. لباس پوشیدن هم از اون چیزهاییه که اگه حواست بهش نباشه، می‌تونه آبروریزی به بار بیاره. یه بار خونه دوستی دعوت بودیم و یکی از مهمون‌ها که خیلی هم شیک و پیک کرده بود با کفش اومد داخل، در حالی که همه می‌دونستن باید کفش شون رو در بیارن. هم خودش خجالت کشید، هم صاحب‌خونه کلی حرص خورد. عکس گرفتن بی‌اجازه هم کار خیلی رو اعصابیه. درسته که با هم صمیمی هستیند اما دلیلی نمیشه یواشکی از هم عکس بگیرین یا بقیه رو مجبور به این کار کنین. دوست‌تون شاید چون به شیوه‌ای متفاوت از مدرسه، لباس پوشیده‌ها به هر دلیل دیگه‌ای دلش نخواد تو عکس باشه و تو باید به این موضوع احترام بذاری.



گفت‌وگویی جذاب درباره مفهومی ظاهر ساده که هنوز بر سرش توافقی وجود ندارد

آزادانه درباره آزادی

الیه توانا | روزنامه نگار



بعضی مفاهیم در دوره نوجوانی، رنگ‌وبوی متفاوتی می‌گیرند؛ تا پیش از این سن ممکن است چیزهایی مثل مسئولیت‌پذیری، انتخاب و استقلال به گوش‌مان خورده باشد اما هیچ‌وقت مسئله و دغدغه‌مان نبوده‌اند. آزادی هم یکی از این مفاهیم است. دوستان نوجوان ما، «کیمیا روحی»، «زهرآفرهادی»، «مهشید ملایی» و «مهزاد نظری» این هفته مهمان جوانه بودند و در این باره مفصل پ‌زدیم. سوال‌های سختی درباره آزادی از هم پرسیدیم و جواب‌های همدیگر را به چالش کشیدیم.

آزادی یعنی چی؟

زهرآفرهادی اولین کسی است که به این سوال جواب می‌دهد: «آزادی یعنی داشتن استقلال فکر و عمل. اتفاقاً چندروز پیش با مامانم درباره همین موضوع بحث می‌کردیم. بهش گفتیم تا وقتی کسی به سطحی از عقل و آگاهی نرسیده باشد، پدر و مادرش حق دارند برای او تصمیم بگیرند ولی بعد از آن، فقط باید نقش راهنما را ایفا کنند. در ستن این است که خوبی‌ها و بدی‌های راه‌های مختلف را برایش توضیح بدهند، نه این‌که به جایش تصمیم بگیرند. مهزاد در پاسخ زهرآ می‌گوید: «خب برداشت پدر و مادرها و بچه‌ها درباره بزرگ شدن و رسیدن به عقل با هم فرق دارد. مثلاً زهرآ فکر می‌کند در ۱۶ سالگی، عاقل شده ولی ممکن است پدر و مادرش با او موافق نباشند که ۱۶ سالگی، سنی است که آدم به درک و تجربه می‌رسد». می‌پرسم حق با چه کسی است، کیمیا می‌گوید: «با تجربه. وقتی کسی هر بار دست به ظرف‌ها می‌زند، آن‌ها را می‌شکند باید جلوی‌ش را بگیرند اما تا وقتی دست به ظرف نزنه، از کجا بفهمیم می‌شکند یا نه؟ آزادی تجربه کردن باید وجود داشته باشد ولی کسی هم باشد که راه و چاه را نشان بدهد. مهشید حرف دوستانش را این‌طوری کامل می‌کند: «به نظر من دلیل خیلی از بحث و جدل‌ها سر آزادی این است که آدم‌ها فقط به خودشان فکر می‌کنند و سعی نمی‌کنند خودشان را جای دیگری بگذارند. معنی آزادی نبود قید و محدودیت نیست و آزادی آدم فقط به خودش مربوط نمی‌شود». مهزاد جواب می‌دهد: «وقتی آدم در هنر انتخابی خودش را جای تک‌تک اطرافیان‌ش بگذارد، دیگر آزادی ندارد». کیمیا استدلال می‌کند: «انسان در تعامل است؛ نمی‌توانی بگویی من این کار را می‌کنم، همینی که هست». مهشید با کیمیا موافق است: «قرار نیست همیشه به بقیه فکر کنیم ولی اشتباه است که بگویی من آدم آزادی‌ام پس هر کاری دلم می‌خواهد می‌کنم. اگر هیچ محدودیتی وجود نداشته باشد، هر چو مرج می‌شود». مهزاد منظورش را واضح بیان می‌کند: «موضوع بحث ما آزادی است ولی چیزی که مهشید می‌گوید، تعریف یک زندگی متعادل و انسانی است. حرف مهشید این است که چطور آدم خوبی باشیم نه این‌که چطور آزاد باشیم».

تجربه‌های بندناگشتی

استند گوشی دوناتی

بعد گوشی همراهان را روی دایره‌ها قرار دهم و برش بزنید، در مرحله بعد پایین دایره‌ها را برش بدهید تا بتوانید به راحتی آن را روی میزتان بگذارید. برای شبیه‌تر شدن به شکل دونات، می‌توانید نقطه میانی دایره را هم برش بزنید، حالا همه دایره‌ها را روی هم بگذارید و بچسبانید. در آخر، رویه استند را با تکه‌های کاغذ رنگی تزیین کنید.



نوجوانان عزیز!

سلام! امروز تو تقویم هنری‌مون به مناسبت جالب ثبت شده؛ «کسب نخستین اسکار سینمای ایران». هفت سال پیش تو چنین روزهایی بود که «اصغر فرهادی» با فیلم «جدایی» اسکار برد و همه‌مون از ذوق کلی بالا و پایین پریدیم. حالا چرا این روز رو یادآوری کردیم؟ چون «اولین» بودن معمولاً کار سختیه. اولین‌ها با همه موفق نشدن‌های قبلی رو روی دوش شون احساس می‌کنن و همین کارشون رو برای جسورانه قدم برداشتن، خیلی سخت می‌کنه. شما تا حالا به عملی کردن کارهای قبلاً انجام نشده، فکر کردین؟ مانعی سر راه‌تون احساس کردین؟ شماره پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ شماره تلگرام ۳۹۴۵۷۶ شماره تلفن تحریریه ۰۵۱۳۷۶۳۴۰۰۰

#حال_خوب



محمدایمان ۱۲ ساله می‌گه: «من بعضی وقت‌ها با کتاب خوندن حال‌م رو خوب می‌کنم؛ به ویژه کتاب‌های ترسناک. هیجان این داستان‌ها حسایی حال‌م رو جامیاره».

مینی پرونده

از اشتباهات غول‌های فناوری چه می‌آموزیم؟



الیه توانا | روزنامه نگار

چند هفته پیش شنیدیم شرکت اپل در اپلیکیشن «فیس‌تایم» سوتی داده‌است. ماجرا از این قرار بود که بعضی کاربرها می‌توانستند به‌طور مخفیانه به صحبت‌های کسی که در فیس‌تایم با او تماس گرفته‌اند، حتی اگر آن شخص تماس‌شان را قبول نکرده باشد، گوش کنند. اشتباه فاجعه‌باری است، مگر نه؟ اپل، امکان تماس گروهی در فیس‌تایم را مسدود کرد تا بتواند ایراد امنیتی‌اش را پیدا و رفع کند. اتفاق جالب، تازه بعد از این رخ داد. یک نوجوان ۱۴ ساله آمریکایی به اسم «گرت نامپسون»، این نقص امنیتی را پیدا کرد و از اپل جایزه گرفت. حالا کجای این قضیه، جالب است؟ جایزه احتمالاً بزرگ گرت که شامل هزینه تحصیل او، می‌شود؟ خب البته این قضیه کم‌اهمیت هم نیست اما چیزی که توجه من را بیشتر جلب کرد، نوع برخورد با «اشتباه» بود. شما اشتباه را چطور می‌بینید؟ جواب خیلی‌ها باید چنین چیزی باشد: «رفتار یا گفتاری که باعث شرم‌ندگی و خجالت می‌شود. حتی اگر قابل جبران باشد، هیچ چیز مثل قبل نمی‌شود و حرف زدن درباره‌اش هیچ کمکی نمی‌کند». حتی اگر این جملات به زبان هم آورده نشوند، دیدگاه رایج راجع به اشتباهات خودمان و دیگران چنین چیزی است. نقص و ایراد و غلط، در چشم ما وحشتناک و ناپیشرونی و فراموش‌نشدنی است. البته اشتباه داریم تا اشتباه؛ در چه وحشتناکی‌شان ممکن است با هم خیلی فرق داشته‌باشد اما مسئله مهم این است که ما به‌طور کلی از درست انجام ندادن کارها و درست نبودن چیزها و حتی اشاره کردن بهشان، بدجوری می‌ترسیم. یکی از هزاران فایده شرکت‌های فناوریانه بزرگ که ربطی هم به پیشرفته‌تر و مدرن‌تر کردن زندگی ما ندارد، نوع مواجهه‌شان با اشتباه است. غول‌های بزرگ تکنولوژی، هرازگاهی سوتی می‌دهند؛ برای رفع ایراد کارشان اعلام کمک می‌کنند و جایزه می‌گذارند. قطعاً آن‌ها به منافع اقتصادی‌شان فکر می‌کنند اما واکنش‌شان سه نتیجه مثبت -بی‌ربط به انگیزه آن‌ها- دارد؛ اول این‌که هیچ‌کس از اشتباه در امان نیست حتی کار در دست‌ترین‌ها. دوم این‌که اشتباه برای رفع و جبران کردن است نه سرافکنده شدن و سرزنش کردن خود. سوم

این‌که تشخیص اشتباه دیگران و کمک به آن‌ها برای حلش، نشانه بدجنسی و بدبینی و غرور بودن نیست بلکه از سر هوش و حواس جمعی و خیرخواهی است. این جمله‌ها را اگر جایی دیگر و به مناسبتی متفاوت می‌شنیدیم، احتمالاً به‌نظرمان شعاری و توخالی می‌آمد. حالا اما این‌طور به‌نظر نمی‌رسد، حتی اگر خود نویسنده‌شان نبود هم همین‌طور فکر می‌کردم. به این دلیل که موسسان و کارکنان شرکت‌های موفق، واقعا دارند نظر ما را راجع به اشتباه تغییر می‌دهند. قبلاً شرکت‌های معروف خودروسازی هم در برابر نقص‌های ناخواسته ماشین‌های‌شان، واکنش‌های مشابهی نشان داده‌اند اما از آن‌جایی که تلفن‌های همراه با زندگی ما عجین‌ترند، نحوه‌پذیرش اشتباه از طرف آن‌ها و رفتارشان در برابر آن، بیشتر به چشم می‌آید. حالا قرار نیست به شیوه کتاب‌های روان‌شناسی بازاری، بعد از فکر کردن به این چیزها ناگهان تصمیم بگیریم از این به بعد در برابر اشتباهات خودمان و دیگران، منعطف‌تر و پذیرا‌تر باشیم ولی با در نظر گرفتن تجربه اپل و بقیه شرکت‌ها، چهره هیولایی غلط در نظرمان تلطیف می‌شود. یعنی امیدوارم این‌طور باشد.

بعضی از فواید خانه‌تکانی

ایده و اجرا: صابری - مرادی

